

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۱_ ۳۰ محرم ۱۴۴۴_ ۲۸ آگوست ۲۰۲۲_ شماره ۲۰۰۶_ سال هفتم

۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۷۴

www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli@gmail.com

سردبیر: فضل‌الله باری

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت

ضرورت نقد و تفکر انتقادی در جامعه



جهانگیر ایزدپناه فعال اجتماعی

شکافت، تجزیه کرد و از ترکیب دوباره اجزای آن نتیجه منطقی به دست آورد و آن‌گاه نظریه‌های پیرامون آن را نقد کرد و آنچه منطقی است پذیرفت و آنچه غیرمنطقی است به چالش کشید. تفکر پویا و انتقادی آداب و عادات خود را هم به‌عنوان مسلمات مطلق و بی‌چون و چرا نمی‌پندارد و توانایی درافتادن بد عادت‌های فکری و بافته‌های ذهنی خود را دارد، یعنی باید بتوان با هر آنچه بدون اندیشه و تفکر از محیط خود بازمی‌آید، درگیر شود. در پیچیدگی و مبارزه کنیم و به کناری نهمیم. نباید به عادت‌ها و عقاید و خرده‌فرهنگ‌های ناهمسان با زمانه که از راه آس و عادت و بدون تفکر و تعقل پذیرفته‌ایم تا ابد پایبند بود و آن‌ها را از مسلمات پنداشت.

پندارهای بدون تعقل و اندیشه‌ورزی پذیرفته شده می‌تواند باعث تیرگی ذهن و مانع از تعقل و تفکر پویا شود. استبداد سرکوبگر خلاقیت، اندیشه‌ورزی، خردجمعی و نقادی است و به عبث چنین رهنمون می‌دهند: سلطان یا پیشوا یا دلسوزی می‌اندیشد و بر همه امور اشراق دارد و تدبیر لازم را برای اداره امور جامعه به‌کار می‌گیرد؛ پس لازم به دخالت و نظر شما در اداره امور و تفکر انتقادی شما نیست. خوب و بد حکومت‌ها را باید از همین‌جا تشخیص داد که از حکومت امکان و اجازه تفکر انتقادی و استفاده از خردجمعی و مشارکت عمومی برای اداره امور جامعه را می‌دهد یا همه را به خرد سلطان، پیشوا، اقلار، اعوان و انصارش واگذار می‌کند. جامعه بدون خردجمعی جامعه‌ای بیمار است.

تحقق تفکر انتقادی و خردجمعی در گروه بحث و جو آزاد است. گاهی مستبدین اجازه نسبی بیان آزاد به صورت فزوری را می‌دهد اما اجازه بنیان‌گذاری تشکل‌ها و سازمان‌ها و تکرر، اجازه جمع‌ات اعتراضی، اجازه رسانه‌های مستقل و آزادی را نمی‌دهند. این نوعی ترغیب استبدادی فرار از اجازه تفکر انتقادی آزاد و سازمان یافته است. اقدام جمعی و سازمان‌یافته است که اصلاحات و تحولات را رقم می‌زند.

حافظه تاریخی

روزی که مستشاران آمریکایی در تهران به قتل رسیدند

در بحبوحه ضرباتی که ساواک در بهار و تابستان ۱۳۵۵ با گروه‌های مسلح مارکسیستی وارد کرد و به تبع آن چریک‌های فدایی را به مرز نیستی کشاند و عناصر فعالی از مجاهدین خلق را نیز کشت یا دستگیر کرد، رهبری مجاهدین خلق تصمیم گرفت به یک عمل چشمگیر و موثر نظامی دست بزند.

تحلیل بر این مبنا قرار داشت که پس از ضربات شدید وارده بر مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی، باید به نحوی ابراز و اعلام موجودیت موثر کرد و رژیم پهلوی را در یک تقابل پیچیده با حرکت مسلحانه قرار داد. سرانجام ترور سه تن از مستشاران آمریکایی در ایران طراحی شد و به اجرا درآمد.

این مستشاران، از کارشناسان متخصص در حوزه وسایل الکترونیکی بودند که نصب و بهره‌برداری از سیستم‌های پیچیده استراق سمع را در قالب یک طرح سری در «کبان» واقع در مرز ایران و شوروی، هدایت می‌کردند. بنا بر فراین موجود، اطلاعات اولیه درباره این سه جاسوس، به‌احتمال قوی، از سوی دولت شوروی به سازمان منتقل شده بود.

عملیات شناسایی برای اجرای ترورها، مسیر دقیق حرکت اتومبیل مستشاران مشخص شد. طبق اطلاعات به دست آمده از واحدهای عملیاتی سازمان، آن‌ها هر روز صبح بین ساعت ۷ تا ۷:۱۵ دقیقه، از تهرانپارس عبور می‌کردند و نزدیک تقاطع سی‌متری نارمک، از خیابان خیام می‌گذشتند. تصمیم گرفته شد که آرایش تیم عملیات در این محدوده و در نقطه مشخصی از خیابان خیام صورت بگیرد.

در جریان تدارک اجرای عملیات، برای تهیه اتومبیل به منظور اجرای راه‌بندان، یک فولکس واگن مستعمل، خریده شد. اتومبیل فرار نیز تهیه شد. سلاح‌های مورد نیاز نیز به تناسب نقشی که هر نفر در عملیات داشت، مهیا شد. عایدینی نحوه انجام ترور را بدین قرار شرح می‌دهد: روز عمل [۱۳۵۵/۶/۶] تمام کارها مطابق

نگارخانه

معرفی کتاب «نقد در دوره واماندگی» از علی روشنی چه فایده اگر تمام جهان را به من تعارف کنید



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

پیش از این عنوان، کتابی داشتیم به نام «شعر در زمانه عسرت» و اکنون نقد در دوره واماندگی؛ نمی‌دانم چه بنویسم زیرا که علی روشنی، در پیشانی کتاب، مطلبی نوشته به عنوان «ضد مقدمه» و هر چه بوده در این کتاب لو داده: «نوشته پیش‌رو، تأملاتی است پیرامون شعر و هنر و فرهنگ ادبیات به طور عام و شعر به طور خاص دغدغه اصلی نگارنده بوده هم ادبیات نیست... علی روشنی اندیشه ادبی، جستارهای فرادبی و معرفت‌شناسی را در کنار هم یافته و فلسفه و نقد علمی و ذوقی را با هم تلفیق کرده است. علی روشنی به‌واکوی عمیق رفته، به صید مروری رفته و ۱۷ مقاله مسووط درباره مشکل برهانی و مشکل زبان، نگاهی به «هام کوچک هرمز» از منظر پدیدارشناسی، گامی با طعم غلیظ سورئالیسم، مغالطات رایج در نقد شعر، ویتگنشتاین، هسته‌ها و عناصر دیالکتیک در مثنوی و... نوشته است. علی روشنی در مقاله نخست، توضیحات برهانی را درباره نما و شاملو، توضیح داده. این بندها، ذهن مرا درگیر یک فرآیند پیچیده از نوع درگیری ذهن با چیستان و معما می‌کند و همین لذت زیباشناسانه را از من مخاطب سلب می‌کند. حالت دومی هم می‌توان دست‌کم برای مخاطب عادی و کم حوصله متصور شد، اینکه او فکر کند، شاعر خواسته او را دست‌بندازد. وقتی برهانی

راستی

اتاق گناه

با راه‌رویی نسبتاً باریکی راه می‌رویم؛ رنگ سفید دیوارها به شیری می‌زند و در نقاطی طوسی شده است. صدای دادوبیاد بعضی‌ها به وضوح شنیده می‌شود و صدای بعضی دیگر به شکل همهمه‌ای نامفهوم به گوش می‌رسد. مردی که پوتین مشکی به پا دارد؛ جلوتر از من حرکت می‌کند و در آخر کنار یکی از درهای راه‌رو، به حالت خردبار می‌ایستد و در از باز می‌کند. وارد اتاق می‌شوم و پسری جوان را می‌بینم که روی صندلی پلاستیکی نشسته است. موهای پرکلاغی‌اش به‌هم ریخته و چرب به نظر می‌رسد. بازوهای گندمی‌اش اندازه بازوهای بچه ۱۰ ساله است. زیر چشمان مشکی‌اش حلقه تیره‌ای افتاده که گویا ناشی از کم‌خوابی است. با دیدنم بلند می‌شود و سریع می‌نشیند. روی او پوشی نمی‌بینم. به سمت راست خود نگاهی می‌اندازم؛ درست جایی که یک میز بزرگ قرار دارد و مردی پشتش نشسته است. سرم را به نشانه احترام تکان می‌دهم و جوابی را نمی‌دهد. به جوان نگاه می‌کنم تا حرف بزند. نگاهش را به کاشی‌های کهنه اما تازه جارو شده زمین دوخته است؛ یا شاید من اینطور فکر می‌کنم. بعد از مکت نسبتاً طولانی دهانش را باز کرده و کلمات را با سختی بیسان می‌کند. صدایش به نسبت جته‌اش مردانه به نظر می‌رسد. بالاخره توانست جمله ناقصش را کامل بگوید: «کشتمش. با چاقو... خون رو زمین ریخته بود... زیاد بود...» انگار قاتل به شکل نامرئی در جلسه حاضر شده و گلویش را سفت گرفته بود تا چیزی نگوید. البته مشخص است بغض او را از آن ادامه دادن باز داشت. با دلسوزی نگاهش کردم و به او تسلیت گفتم. چیزی نگفت؛ منتظاری هم نداشت. نگاه منظر من و مرد او



درنگ



Julian Pena Pai Romania

روزنامه همدلی

من چاکر آنم که دلی براباید یا دل به کسی دهد که جان آسیابد آن کس که نه عاشق و نه معشوق کسیست در ملک خدای اگر نباشد شاید

منتقد تکامل

گابیون:

دیوارهایی که به‌صورت سنگی اجرا می‌شوند و دور آن‌ها تورهایی مهار می‌کنند تا مقاومت و یک‌نواختی بیشتری داشته باشد.

مجازستان

● به‌گلمحمد افغانیم بود کوزه اشراقی پیدا کرده بود، آقا این دهن مارو سرورویس کرده بود، خلیلم اصرار داشت که راست میگه کسی رو نداره آیش کنه، خب...مگه من پسرخاله ایندیانا جونزم، بدمش تو که کسیو نداری آیش کنی بی‌خود کردی رفتی دنبال گنج. (ح ا م د)

● بابام میگه من اگه یکاره این مملکت می‌شدم اوضاعه درست می‌کردم. بزرگوار، اداره په خونه دستته همه ناراضی به مملکتو ولش کن تورو به ابلفضل. (الکی خوش)

● گرهبومن میومیو کتان اومه دو اتاق من، بابام بدو بدو پشت سرش اومه تو میگه دروغ میگه همین الان بهش غذا دادم! ((((دُرُوژه)

● این شوماخرای تو خیابون می‌دونن اگه امثال ما، حرکاتشون رو توه س تا آینه مرتب چک نکنیم و بهشون راه ندیم، ممکنه به درک واصل شن؟ ما مجبوریم حماقت‌های شما رو حدس بزیم تا از تصادف جلوگیری کنیم. (هدفون)

تساوت

کشف معمای حیات در مریخ با سنگ‌های آتشفشانی تجزیه و تحلیل جامع یافته‌های به دست آمده توسط مریخ‌نورد استقامت ناسا و کشف سنگ‌های آتشفشانی آذرین در بستر دهانه «جیزرو» می‌تواند کلیدی برای حل کردن معمای آب‌های گذشته مریخ و نشان دادن زمان دقیق مرطوب بودن و احتمالاً قابل سکونت بودن آن باشد. کن فارلی، استاد ژئوشیمی مؤسسه فناوری کالیفرنیا گفت: ما از یافتن سنگ‌های آذرین، بسیار هیجان‌زده شدیم. کشف سنگ‌های آتشفشانی، کاملاً غافلگیرکننده بود، زیرا انتظار می‌رفت که مریخ‌نورد استقامت، روی سنگ‌های رسوبی متشکل از گل و خاک فرود بیاید که حدود ۳.۷ میلیارد سال پیش در دریاچه باستانی محل فرود مریخ‌نورد تشکیل شده بودند. فارلی گفت: مدت زیادی طول کشید تا با این واقعیت کنار بیاییم که سنگ‌های موجود در بستر دهانه، آذرین هستند. استقامت در ۱۸ فوریه سال ۲۰۲۱ روی مریخ فرود آمد و دهانه جیزرو به عنوان محل فرود آن انتخاب شد. دانشمندان سیاره‌شناسی و اخترزیست‌شناسان باور دارند که چنین محیطی، میلیاردها سال پیش برای حیات سومند بوده است. در واقع، برخی از سنگ‌های یافت‌شده در دهانه جیزرو، ترکیبی مشابه سنگ‌های زیر سطح زمین دارند؛ جایی که اکسیداسیون آهن از طریق تعامل با آب می‌تواند هیدروژن مولکولی و هیدروکربن‌ها را تولید کند. به گفته فارلی، منشا سنگ‌های آذرین جیزرو همچنان یک راز باقی مانده است زیرا هیچ ویژگی آتشفشانی آشکاری در این دهانه یا در نزدیکی آن وجود ندارد. استقامت، در شکل از سنگ آذرین به نام‌های **Maaaz** و **Séitah** سرشار از الیون است که یک ماده معدنی آتشفشانی رایج متشکل از سیلیکات آهن-منیزیم است. از سوی دیگر، پژوهشگران بر این باورند که **Maaaz** از گدازه‌ای تشکیل شده که روی **Séitah** جاری شده است. در پژوهشی که به سرپرستی سوین اریک هارسل استاد دانشگاه اسلو انجام شده است، نتایج حاصل از رادار نفوذ به زمین مریخ‌نورد استقامت نشان می‌دهند که کل واحد زمین‌شناسی شامل **Maaz** و **Séitah**، در زیر زمین گسترش یافته و تا اندازه‌ای بافته است. بدین ترتیب، به آن زاویه داده است. فارلی تأکید کرد: واقعاً در مورد این موضوع گیج شده‌ایم. این یک ویژگی بسیار متمایز به شمار می‌رود؛ یک صخره به طول تقریباً یک کیلومتر که حدود ۱۰۰ درجه کج شده است. این موضوع، یافته‌ای غیرمنتظره به شمار می‌رود، زیرا برای بلند کردن واحدهای زمین‌شناسی مانند آن، به نیروهای تکتونیکی استثنایی نیاز است. اما مریخ‌نوردی **Maaaz** و **Séitah** به بهترین شکل ممکن توصیف شده‌اند، استقامت به سوی مناطق جدیدی در دلای رودخانه رفته که دلیل اصلی فرود آن در دهانه جیزرو در وهله اول است. فارلی گفت: ما انتظار داشتیم خیلی نزدیک به دلنا فرود بیاییم و اکتشاف خود را در آنجا آغاز کنیم، اما کاملاً این‌طور نشد. بنابراین، استقامت پس از کاوش در سنگ‌های آذرین، سفری پنج کیلومتری را برای رسیدن به دلنای غنی از خاک آغاز کرد و توانایی‌های پیشرفته خود را به نمایش گذاشت. اکنون در دلنا هستیم. چند ماه گذشته در آنجا کار کرده‌ایم و اکنون روی سنگ‌های رسوبی کار می‌کنیم که در دریاچه رسوب کرده‌اند.

Julian Pena Pai Romania